

## سازگاری عرفان سعیدالدین فرغانی با عقاید شیعی در باب امامت علی ابن ابیطالب(ع)

محمد میری<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۱/۳۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۴/۱۷)

### چکیده

اگر چه فرغانی، که شاگرد صدرالدین قونوی و از بزرگ‌ترین پیروان مکتب ابن عربی است، ظاهراً و رسماً جزء عارفان شیعی به شمار نمی‌آید؛ ولی گذشته از ارادت خاصی که به اهل بیت دارد، در واقع به مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که شیعیان در مورد امامت معتقدند اعتقاد راسخ داشته و بلکه هر کدام از آن‌ها را با بهترین بیان عرفانی، تحلیل و تبیین کرده است. او همسو با شیعیان، امیرالمؤمنین (ع) را وارث و وصی نبی اکرم(ص) دانسته و معتقد به عصمت امام بوده و برخی از مهم‌ترین احادیث و نصوص دال بر جانشینی امام علی (ع) برای پیامبر (ص) را نقل کرده است. فرغانی همچنین معتقد به افضل بودن امام(ع) بر سایر امت می‌باشد و نیز امام علی (ع) را اعلم امت و میراث‌دار علم الهی نبی اکرم (ص) و بالاترین عارف و صاحب اصلی و منبع مقام معرفت حقیقی معرفی می‌کند و دیگران را در معرفت، ریزه‌خوار خوان گسترده او می‌داند. هدف اصلی این مقاله، نشان دادن ظرفیت بالای مکتب ابن عربی برای تبیین آموزه شیعی «امامت» است. این تحقیق، به طور خاص، متمرکز بر آراء و اندیشه‌های فرغانی بوده و به روش کتابخانه‌ای - تحلیلی و بر پایه آثار باقی‌مانده از وی، سامان یافته است.

**کلید واژه‌ها:** امام علی (ع)، امامت، سعیدالدین فرغانی، عرفان شیعی، عصمت امام، علم الهی امام

۱. استادیار گروه منابع و اخلاق دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران؛

Email: m.miri57@ut.ac.ir

## مقدمه

شهرستانی در کتاب ملل و نحل خود، اعتقاد به نص بر امامت و خلافت امام علی (ع) - اعم از نص جلی و خفی - را به عنوان معیار تشیع مطرح کرده است [۱۹، ص ۱۶۹]. برخی نیز اعتقاد به امامت و خلافت بلافضل امیرالمؤمنین از نبی اکرم (ص) را ملاک تشیع دانسته‌اند [۷، ج ۱، ص ۳۱۷؛ ۱۷، ج ۲، ص ۱۰۸۱].

به هر روی، فرغانی را شاید نتوان رسماً در شمار شیعیان دانست چنان‌که در برخی آثار منسوب به وی<sup>۱</sup> امام علی (ع) به عنوان خلیفه<sup>۲</sup> چهارم معرفی شده است [۲۷، ص ۱۲]. اما به هر حال مبانی که در این تحقیق از آثار خود فرغانی در باب جانشین حقیقی پیامبر اعظم (ص) مورد بررسی قرار خواهد گرفت، به اعتراف خود فرغانی جز بر امیرالمؤمنین (ع) قابل تطبیق نیست، و اتفاقاً به همین خاطر است که برخی محققین، فرغانی و بسیاری دیگر از عارفانی که به ظاهر در جرگه اهل تسنن قرار دارند و در عین حال، دلدادۀ امیرالمؤمنین (ع) و سایر امامان هستند را «اهل تسنن دوازده امامی» دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

اساسی‌ترین اختلاف شیعه و سنی در باب امامت، بر سر الهی و یا بشری بودن این مقام است و پیرو همین اختلاف است که چهار شرط اصلی برای امامت در اندیشه شیعی بر خلاف مذهب اهل تسنن، مطرح شده است. شیعیان معتقد به «منصوص بودن

۱. کتاب «مناهج العباد الی المعاد» اگر چه به نام سعیدالدین فرغانی به چاپ رسیده است ولی تردیدهایی در اصل صحت انتساب این کتاب به او وجود دارد نک [۱۴، ج ۱۰، ص ۸۳].

۲. لازم به ذکر است که برخی از شیعیان زیدی مذهب نیز امام علی علیه السلام را خلیفه اول ندانسته‌اند و با این حال آن‌ها در زمره شیعیان به حساب می‌آیند نه اهل تسنن. شهرستانی می‌نویسد: «فقال [زید] کان علی بن ابیطالب افضل الصحابه الا ان الخلافه فوضت الی ابی بکر» [۱۹، ص: ۱۵۴] علامه طباطبایی نیز بر آن است که زیدیه در ابتدای حال، مانند خود زید، دو خلیفه اول (ابوبکر و عمر) را جزء ائمه می‌شمردند ولی پس از چندی جمعی از ایشان نام دو خلیفه را از فهرست ائمه برداشتند [۲۳، ص ۶۲]. برای تحقیق بیشتر در این باره نک [۱۶، ج ۷، ص ۴۷۳-۴۷۴].

۳. ملا محمد طاهر قمی (متوفای ۱۰۹۸ ق) تعبیر «سنیان دوازده امامی» را در کتاب «فتوح المجاهدین» ص: ۵۶ (نسخه ۳۱۱۶ کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی) به کار برده است. محقق ارجمند آقای رسول جعفریان نیز این تعبیر را پسندیده و در آثار خود به کار برده است. او در کتاب تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، فصلی را به پیدایش تسنن دوازده امامی اختصاص داده است.

امامت بوده» و «عصمت» و «علم الهی» را از ویژگی‌های امامت دانسته و امام را «افضل امت» می‌دانند.<sup>۱</sup>

فرغانی در هر چهار مورد اختلافی فوق، اندیشه شیعیان را بر نگاه اهل تسنن ترجیح داده است.

### معرفی اجمالی سعیدالدین فرغانی

سعیدالدین فرغانی از عارفان قرن هفتم (متوفای ۶۹۹ ق) و از مهم‌ترین شاگردان صدر الدین قونوی و از بزرگ‌ترین تقریرکنندگان مکتب عرفانی ابن عربی است. مهم‌ترین آثار باقی‌مانده از وی دو کتاب «منتهی المدارک» و «مشارق الدراری» است. جامی در معرفی وی می‌نویسد:

«وی از کمال ارباب عرفان و اکابر اصحاب ذوق و وجدان بوده است. هیچ‌کس مسائل علم حقیقت را چنان مضبوط و مربوط بیان نکرده است که وی در دیباچه شرح قصیده تائیه فارسیه [یعنی کتاب منتهی المدارک] کرده.» [۸، ص ۵۵۸].

به جرأت می‌توان گفت که همان‌گونه که بهترین راه ورود به آثار ابن عربی، فهم آثار قونوی است بهترین و آسان‌ترین راه ورود به آثار قونوی، فهم آثار محقق فرغانی است، همچنان‌که به تعبیر مرحوم استاد آشتیانی، فناری در مصباح الانس، برای تحریر مباحث مفتاح الغیب، همه جا از محقق فرغانی استمداد کرده است [۲۶، ص ۱۰۲]، تا جایی‌که شاید بتوان گفت: تا حدود هشتاد درصد دیباچه منتهی المدارک در مصباح الانس، که از مهم‌ترین کتاب‌های درسی عرفان نظری است، انعکاس یافته است.<sup>۲</sup> بنابراین، می‌توان فرغانی را از تأثیرگذارترین عارفان مکتب ابن عربی دانست تا

۱. این مطلب را در بسیاری از کتب کلامی می‌توان به راحتی مشاهده کرد. برای نمونه نک [۱۸] و همچنین نک [۱۳].

۲. آقای مهدی کهنوجی در ابتدای پایان نامه خود با عنوان «چینش نظام هستی از دیدگاه فرغانی» (از ص: ۴ تا ۱۱) مهم‌ترین مطالب پیرامون معرفی شخصیت سعیدالدین فرغانی را جمع‌آوری کرده است که برای تحقیق بیشتر در این باره می‌توان به آن رجوع کرد. (این پایان‌نامه در مخزن کتابخانه دائرةالمعارف مؤسسه امام خمینی (ره) موجود است.)

جایی که به شهادت تاریخ، آثار او از همان ابتدا مورد مراجعه علاقه‌مندان به عرفان نظری بوده است همچنان که ابن خلدون در اواخر قرن هشتم برای توضیح سخنان صوفیه به این کتاب استناد می‌کند [۳، ص ۳۸۴] و این نشان‌گر آن است که این کتاب، پس از نگارش، جایگاه خود را به عنوان یک کتاب اصلی و مرجع عرفانی پیدا کرده بود.

### پیشینه تحقیق

اگر چه تاکنون پژوهش‌هایی پیرامون نسبت تصوف و تشیع<sup>۱</sup> و یا حتی پیرامون میزان هماهنگی عقاید ابن عربی با اعتقادات شیعی<sup>۲</sup> صورت گرفته، اما تحقیق مستقل و یا حتی معتناهی پیرامون میزان نزدیکی اعتقادات شخص فرغانی با عقاید شیعی در باب امامت، و یا سایر آموزه‌های شیعی، به چشم نمی‌خورد. تنها در مواردی جسته و گریخته می‌توان برخی اشارات پیرامون این مسئله را در لابه‌لای کلمات بعضی محققان پیدا کرد [۲۶، ص ۶۵۱؛ ۳۰، ص ۱۲۷؛ ۱۱، ص ۴۱۴].

### عصمت امام از دیدگاه فرغانی

تفتنازانی اعتقاد به وجوب عصمت امام را از بزرگ‌ترین امور مورد اختلاف اهل تسنن با شیعیان دانسته و در ادامه، ادعای اجماع بر عدم اشتراط امامت به عصمت دارد [۵، ج ۵، ص ۲۴۹]. به تعبیر علامه حلی، اهل سنت حتی از پذیرش امامت دزدان و اهل فسق و فجور نیز ابایی ندارند [۱۲، ص ۱۶۵]. همان‌طور که باقلانی از بسیاری از اهل سنت این قول را نقل می‌کند که: امام با فسق و فجور و ظلم بر دیگران، از مقام خود سلب نشده و خروج بر او واجب نیست [۵، ص ۴۷۸].

این در حالی است که شیعیان معتقد به وجوب و ضرورت عصمت برای امامان

۱. مانند «الصلة بين التصوف والتشيع» و «النزعات الصوفية في الفكر الشيعي» هر دو، نوشته کامل مصطفی الشیبی و «بين التصوف والتشيع» نوشته هاشم معروف الحسینی و «التشيع والتصوف» نوشته انعام احمد قدوم و «موضع تشيع در برابر تصوف در طول تاريخ» نوشته داود الهامی.

۲. مانند «القول المتين في تشيع الشيخ الاكبر محيي الدين ابن العربي» نوشته قاسم تهرانی و «ابن عربي سنی متعصب» نوشته سید جعفر مرتضی عاملی.

هستند. تأکیدات بزرگان شیعه همچون شیخ مفید [۲۰، ص ۳۹] و صدوق [۲، ص ۹۶] و... گواه بر این مدعاست.

فرغانی نیز در این مسئله از اندیشه شیعی جانب‌داری می‌کند. برای بررسی دیدگاه وی در این مسئله، ابتدا به برخی مبانی همسوی وی با عصمت امام اشاره کرده و سپس تصریحاتی از او به عصمت امام را گواه این مسئله خواهیم گرفت.

او از طرفی مقام نبی اکرم (ص) را برتر از همه انبیا می‌داند و بلکه نسبت ایشان را با سایر پیامبران همچون نسبت جنس اعلی با سایر اجناس متفرع از آن می‌داند؛ به گونه‌ای که هر کدام از پیامبران، رشحه‌ای و مظهری از وجود اکمل نبی اکرم (ص) است [۲۸، ج ۱، ص ۱۰۷]، و ملاک برتری هر پیامبر، میزان نزدیکی او به حقیقت اعتدالی و برزخی پیامبر اکرم (ص) می‌باشد [۲۸، ج ۱، ص ۱۲۳]؛ و از طرف دیگر در نگاه فرغانی، خلیفه رسول اکرم (ص) نزدیک‌ترین شخص به ایشان بوده و مانند ایشان مظهریت تامه برای اسم جامع الله داشته و از این رو به تعبیر فرغانی، جامع جمله اسما و صفات و مراتب است بدون آنکه حکم اسمی خاص بر او غالب باشد. چنین مقامی، بالاتر از مقام انبیاء سابقین است چون به تصریح فرغانی، بر هر کدام از پیامبران پیش از نبی اکرم حکم اسمی خاص غلبه داشته و این تنها نبی اکرم و البته خلیفه او است که در مظهریت خود برای تمامی اسما، مقید به اسمی خاص نیست و به همین خاطر، مظهریت تامه برای اسما الهی، اختصاص به نبی اکرم و وارث و خلیفه ایشان دارد [۲۶، ص ۵۸۲]. بنابراین چنین شخصی که در قُرب به حق متعال، فراتر از همه پیامبران به جز نبی اکرم (ص) بوده و مظهر تام اسم الله است و مقامی بالاتر از پیامبران پیشین دارد چگونه ممکن است معصوم نباشد در حالی که پیامبرانی که در مراتب پایین‌تر از او هستند معصومند؟

همچنین به اعتقاد فرغانی، ولایت علوی، از حقیقت محمدی (ص) انشقاق یافته و در واقع همان نور ولایت محمدی (ص) است که در امام علی (ع) تجلی یافته است. او حتی معجزه شق القمر پیامبر اکرم (ص) را صورت ظاهری از حقیقت انشقاق ولایت علوی از نبوت محمدی (ص) می‌داند [۲۸، ج ۱، ص ۴۱۰]. بسیار روشن و واضح است که فرغانی با این اعتقاد، نمی‌تواند قائل به عصمت پیامبر اکرم (ص) و عدم عصمت امامی که در حقیقت ولایت، متحد با ایشان است باشد.

فرغانی همچنین خلیفه و جانشین نبی اکرم (ص) را به مثابه پیامبران اولوالعزم و قائم به حقوق و اقتضات رسالت معرفی می‌کند.

فلا جرم کل خلیفه کامل أو قطب من الأقطاب فی هذه الأمة المحمدیه هو بمثابة أولى عزم من الرسل ... بمنزلة رسول قائم بحقوق الرسالة [۲۸، ج ۱، ص ۱۹۰].

روشن است که با این نگاه که خلفای رسول خدا در حد انبیای اولوالعزم انگاشته شوند، حتی احتمال عدم عصمت هم در مورد خلیفه رسول خدا، قابل طرح نیست.

علاوه بر مبانی بسیار همسوی فرغانی با مبحث عصمت امام، شواهد و تصریحاتی نیز در نوشته‌های او وجود دارد که هر کدام به نحوی دلالت بر ضرورت عصمت جانشین پیامبر دارد.

او ضمن تأکید بر فتوت امام متقیان علی (ع) و طراوت ایشان در اخلاق، افعال، اقوال و احوال؛ بر این عقیده است که امام (ع) حق متابعت و پیروی کامل از نبی اکرم (ص) را به خوبی ایفا کرده است به گونه‌ای که هیچ‌گاه از ایشان سخن و یا رفتاری که مخالف شریعت باشد صادر نشده است، اگر چه حتی بسیاری از صحابه رسول خدا به ناحق با وی سر ناسازگاری داشتند.<sup>۱</sup>

... فتی، أی: ذا طراوة فی الأخلاق و الأفعال و الأقوال و الأحوال و کمال الاستعداد؛ کان ملازما علی متابعتی و مقتفیا أثر قدمی حق المتابعة و الاقتفاء ... بحيث لم یبد منه ... ترک أدب و شطح و قول أو فعل یخالف ظاهر شریعتی، و كأنه یرید [الناظم] به علیاً رضی الله عنه بدلالة قوله: «سوی فتی» لقوله: «لا فتی إلا علی» ... فکان مظهر نور ولایته صلی الله علیه و سلم علیاً رضی الله عنه، و لهذا کان إمام الأولیاء المحمדיین کلهم [۲۸، ج ۱، ص ۴۰۳-۴۰۴؛ ۲۶، ص ۴۰۱].

فرغانی در عبارت فوق، امیرالمؤمنین (ع) را مظهر ولایت محمدی (ص) و همچنین پیشوای اولیای محمدی (ص) معرفی می‌کند. و کسانی که کمترین آشنایی با زبان و اصطلاحات عرفانی داشته باشند به روشنی درمی‌یابند که اولیای محمدی (ص) ساحتی بسیار بالاتر از آلودگی به گناهان دارند، تا چه رسد به شخص امام علی (ع) که امام و پیشوای آن‌ها است و اصل ولایت محمدی (ص) در او ظهور یافته است.

۱. فرغانی در منتهی المدارک، ج ۲، ص: ۱۳۳ به ثبات قدم امیرالمؤمنین (ع) حتی با وجود مخالفت صحابه با ایشان اشاره دارد.

علاوه بر آن، فرغانی در عبارت فوق تصریح می‌کند که امام علی (ع) در همه کردارها، گفتارها و احوالات خود، پیرو نبی اکرم (ص) بوده و حق متابعت و دنباله‌روی از پیامبر اکرم (ص) را ادا کرده است. او در ادامه تأکید می‌کند که هیچ رفتار و یا گفتاری که خلاف شرع باشد از امام (ع) سر نزده است.

### علم الهی امام

از آنجا که اهل سنت مقام امامت را یک مقام الهی و فوق بشری نمی‌دانند طبیعی است که داشتن علمی ما فوق علوم بشری را نیز در مقام امامت لازم نمی‌دانند، بلکه برخی از آن‌ها علم در حد اجتهاد را کافی دانسته [۱۰، ص ۱۶۹] و حتی برخی دیگر - همچون قاضی عبدالجبار معتزلی [۲۹، ج ۱، صص ۱۹۸ و ۲۰۹ بنقل از ۱۵، ص ۱۸۰] - همین مقدار را هم شرط نکرده و معتقدند امام، اگر خود، عالم نبود می‌تواند در مسائل به فتوای علما رجوع کند [۱۵، صص ۱۷۹-۱۸۴].

فرغانی اما در این مورد، نه مانند اهل تسنن و بلکه همانند شیعیان می‌اندیشد. او بالاترین درجات علم الهی را برای امام علی (ع) و سایر امامان از فرزندان ایشان برشمرده و به این مطلب تأکید دارد که امام علی (ع) و فرزندان ایشان از نسل حضرت فاطمه زهرا (س) جامع حقیقی علوم شریعت، طریقت و حقیقت‌اند. او همین نکته را گواه برتری اهل بیت پیامبر اکرم بر همه صحابه دانسته و آن‌ها را سرچشمه علوم حقیقت و طریقت معرفی می‌کند [۲۶، صص ۶۴۹ و ۶۵۰].

فرغانی در موارد متعددی به علم الهی امیرالمؤمنین (ع) اشاره کرده است. او امام علی (ع) را میراث‌دار علم پیامبر (ص) معرفی کرده و امام را صاحب علوم می‌داند که از جهت وصایت نبی اکرم (ص) و از جهت آنکه حضرت رسول (ص) ایشان را قائم مقام خود قرار داده است، به دست آورده است.

... و إيضاحه بتأويل ما كان مشكلا من الكتاب و السنّة بواسطة علم ناله، بأن جعله النبيّ صلى الله عليه و سلم وصيّيه و قائما مقام نفسه... كان هذا البيان بالتأويل، بالعلم الحاصل بالوصيّة من جملة الفضائل التي لا تحصى خصّه بها رسول الله صلى الله عليه و سلم، فورثها منه عليه الصلاة و السلام [۲۸، ج ۲، ص ۱۹۵؛ ۲۶، ص ۶۵۴].

او همچنین با تمسک جستن به حدیث شریف «أنا مدينة العلم، و علیّ بابها» سهم امام علی (ع) را از کمالات نبی مکرم اسلام (ص) علم و کشف معضلات قرآن کریم دانسته و این فضیلت را یکی از فضائل بی‌شمار امیرالمؤمنین (ع) معرفی می‌کند.

و اما حصه علیّ بن ابی طالب کرم الله وجهه، فالعلم و الکشف و کشف معضلات الکلام العظیم و الکتاب الکریم الذی هو من أخصّ معجزاته صلی الله علیه و سلم بأوضح بیان بما ناله بقوله صلی الله علیه و سلم: «أنا مدينة العلم، و علیّ بابها»، و بقوله: «من کنت مولاه، فعلیّ مولاه» مع فضائل آخر لا تعدّ و لا تحصى [۲۸، ج ۲، ص ۱۹۳].

همان‌گونه که مشاهده می‌شود فرغانی در دو عبارت فوق، امام علی (ع) را تنها مرجع علم به تأویل قرآن بر می‌شمارد.

باید توجه داشت که اختصاص دادن علم به تأویل قرآن به امام علی (ع) یک پیام و مضمون کاملاً شیعی دارد.

چنان‌که می‌دانیم خداوند متعال در آیه هفتم سوره آل عمران حق تأویل کتاب را منحصر به راسخون در علم کرده است و در جوامع روایی شیعی احادیث فراوانی وجود دارد که در آن‌ها امام علی (ع) و همچنین سایر ائمه معصومین سلام الله علیهم با استفاده از این آیه، امامت و پیشوایی خود را بر امت اسلامی اثبات کرده‌اند [۳۴، ج ۲، صص ۷۲۱ و ۷۷۲]. در روایات بر این نکته مهم تصریح شده که اوصیا و خلفای نبی اکرم (ص) تنها کسانی هستند که پس از ایشان، راسخ در علم بوده و به تأویل کتاب خدا آگاه هستند [۳۱، ج ۱، صص ۲۱۳ و ۲۴۵].<sup>۱</sup> این‌گونه است که فرغانی امام علی (ع) را والاترین عارف و به تعبیری، امام‌العارفین و باب مدینه علم نبوی بر می‌شمارد.

و أرفع عارف أراد [ابن الفارض] به علیّاً رضی الله عنه، فإنه صاحب مقام المعرفة الحقیقة بالأصالة و غیره بتبعيته... و کان علیّ کرم الله وجهه هو أرفع عارف فی الدنيا من حیث ما خصّه أصله صلی الله علیه و سلم بقوله: «أنا مدينة العلم، و علیّ بابها»، و هو علم الحقیقة [۲۸، ج ۱، صص ۴۱۰ و ۴۱۱].

نگاه این‌گونه فرغانی به علم الهی امام علی (ع) ریشه در این اندیشه عرفانی دارد که

۱. در این باب احادیث بسیار دیگری نیز وجود دارد تا جایی که محمد بن حسن صفار عنوان یکی از ابواب کتاب بصائر الدرجات را «باب فی الأئمة (ع) أنهم الراسخون فی العلم الذی ذکرهم الله تعالی فی کتابه» قرار داده است.



قطب عالم امکان، عالم به همهٔ اسما و صفات حسناى الهی است و به واسطهٔ همین علم است که مدار و محور همهٔ عالم قرار می‌گیرد [۲۸، ج ۲، ص ۷۶]. چنان که در احادیث شیعی نیز آمده است که آصف بن برخیا - که قرآن از او به «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» [نمل/۴۰] تعبیر می‌کند - تنها یک حرف از اسم اعظم را می‌دانست و اما اهل بیت (ع) تمامی هفتاد و دو حرفی را که علم به آن‌ها در حد طاقت بشری است، دارا می‌باشند [۳۱، ج ۱، ص ۲۳۰].

### افضلیت امام و برتری او بر تمام امت

اهل سنت برتری امام را بر سایر افراد امت اسلامی شرط لازم امامت نمی‌دانند اگر چه حُسن آن را قبول دارند ولی با برخی مصلحت‌سنجی‌ها آن را نادیده گفته و یا اساساً در ضرورت چنین شرطی، تشکیک می‌کنند و البته در مقام مقایسه هم معمولاً ابوبکر را افضل امت دانسته و خلیفهٔ دوم، سوم و سپس امام علی (ع) را به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار می‌دهند [۶، ج ۵، ص ۲۹۱]. فرغانی اما در مقام مقایسهٔ امیرالمؤمنین (ع) با سایر خلفا، برتری مطلق را از آن امام علی (ع) می‌داند. البته از اشاره به آن نیز هیچ ابایی نداشته و امام‌العارفین (ع) را برترین و والاترین عارف معرفی می‌کند [۲۶، ص ۴۰۶؛ ۲۸، ج ۱، ص ۴۱۰]. او در مواردی در مقام مقایسهٔ خلفای پیشین با امام علی (ع) ضمن تعریض به خلفا، برتری امیرالمؤمنین (ع) را بر آن‌ها اثبات می‌کند.

سعیدالدین فرغانی به مناسبت شعر ابن فارض، برخی کرامات عترت پیامبر اکرم (ص) و کرامات منسوب به خلفا را برمی‌شمارد. نوع چینش و توضیح کرامات منسوب به خلفا و در ادامه تشریح فضائل امام علی (ع) هر خواننده‌ای را به برتری مطلق فضائل امیرالمؤمنین (ع) بر دیگران رهنمون می‌شود. و البته فرغانی به این مقدار نیز اکتفا نکرده و بر بی‌حد و حصر بودن فضائل امام علی (ع) در مقایسه با سایر خلفا تصریح می‌کند.

فرغانی به پیروی از ابن فارض، برای ابوبکر، قوت یقین و توانایی بر جنگ، جهت تقویت دین و برای خلیفهٔ دوم دیدن مسافت دور خطهٔ نهاوند از شهر مدینه و برای عثمان استغراق در تلاوت قرآن هنگام مرگ را به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین کرامات ظاهر شده از خلفا برمی‌شمارد. روشن است که این ویژگی‌ها خصوصیت آن‌چنانی ندارند و در هر

کس دیگری نیز امکان ظهور دارند.<sup>۱</sup> این در حالی است که در مقام اشاره به کرامات امیرالمؤمنین (ع) ارائه تأویل و تبیین معضلات قرآن را - که از اخص معجزات نبی اکرم (ص) است - سهم امام علی (ع) از کرامات می‌داند. محقق فرغانی خصوصیات فوق را برای خلفای سه‌گانه به عنوان بارزترین و اصلی‌ترین کرامات آن‌ها برشمرد و اما در مورد حضرت امیرمؤمنان بر این نکته تأکید می‌کند که فضائل امام (ع) قابل احصاء و شمارش نیست.

فكان حصّة أبي بكر رضي الله عنه منه قوّة اليقين و القدرة بعده على تقوية الدين مع فضائل آخر، لكن الغالب عليه هذا.

و حصّة عمر رضي الله عنه حدة البصر و البصيرة في رؤية الحق و الإبصار على بعد المسافة مع غير هذا من الفضائل، لكن غلب ظهور هذا عليه.

و حصّة عثمان رضي الله عنه كمال الاستغراق في سماع القرآن و التفهّم منه ... و أمّا حصّة عليّ بن أبي طالب كرم الله وجهه، فالعلم و الكشف و كشف معضلات الكلام العظيم و الكتاب الكريم الذي هو من أخصّ معجزاته صلى الله عليه و سلم بأوضح بيان بما ناله بقوله صلى الله عليه و سلم: «أنا مدينة العلم، و عليّ بابها»، و بقوله: «من كنت مولاه، فعلىّ مولاه» مع فضائل آخر لا تعدّ و لا تحصى [۲۸، ج ۲، ص ۱۹۳].

وی در جایی دیگر با اشاره به اعترافی که خود خلیفه دوم بارها به زبان آورده است که: «لو لا علیّ لهلك عمر» بر این امر تأکید دارد که امام علی (ع) آنچه را که بر صحابه و خصوصاً عمر، مشکل و غیرقابل فهم بود روشن می‌ساخت.

پیدا و روشن کرد علی - علیه‌السلام - به تأویل، آنچه مشکل و پوشیده بود از معنی و مراد قرآن و حدیث، بر غیر او از صحابه، خصوصاً بر عمر - رضی الله عنه - چنان‌که در آن

۱. و البته کمالاتی که در اینجا به خلفای پیشین نسبت داده شده است نمونه‌هایی بسیار بالاتر از همان سنخ کمالات را به راحتی و فراوانی می‌توان در حالات امام علی (ع) پیدا کرد. برای نمونه در قوت یقین، امام (ع) فرمود: «لو كشف الغطاء ما ازدت يقينا» و حضرت، در نصرت دین، مدال‌های افتخاری همچون حدیث «ضربة علیّ يوم الخندق أفضل من أعمال أمتی إلى يوم القيامة» و «ألا فتی إلیّ علیّ و لا سیف إلیّ ذو الفقار» را دارند. و در برابر آنچه به عمر منسوب است در احادیث هست که امام (ع) در کوفه دستشان را دراز کرده و برگرداندند و مردم قطعه‌هایی از موی سبیل و ریش معاویه را در دست ایشان دیدند و پس از مدتی خبر رسید که معاویه در همان روز که آن حضرت دست به سوی او دراز کرده از تختش افتاده و از هوش رفته و موی‌هایی از سبیل و ریش خود را نابود یافته [۲۴، ص ۱۳۶]. و اما در مورد آنچه به عثمان نسبت داد نیز داستان کشیدن تیر از پای امیرالمؤمنین در نماز، بسیار مشهور است.

معرض، عمر - رضی الله عنه - فرمود که: «لو لا علیّ لهلك عمر» و به آنکه بیان و تفسیر آن مشکلات را متعرض گشته بود، به علمی که به وی میراث رسیده بود از مصطفی - صلی الله علیه و سلم - به وصیّتی که از جهت وی فرموده بود [۲۶، ص ۶۵۴].

در باب اعتقاد محقق فرغانی به برتری امام علی (ع) بر سایرین همین بس که وی امام (ع) را برترین عارف و طبیعتاً نزدیک‌ترین انسان به خداوند متعال معرفی کرده و ایشان را صاحب اصلی مقام معرفت می‌داند به گونه‌ای که سایرین، همه، متابعان و پیروان ایشان می‌باشند [۲۸، ج ۱، ص ۴۱۰].

گذشته از همه موارد فوق، باید توجه داشت که سعیدالدین فرغانی نه تنها معتقد به افضلیت امام علی (ع) بر سایرین است بلکه همه امامان معصوم شیعه را برتر از تمامی صحابه معرفی می‌کند. او در توضیح این مطلب که چگونه ابن فارض ذکر عترت رسول خدا را بر ذکر صحابه تقدیم کرد به روشنی بر این مطلب و سر آن (یعنی اختصاص اهل بیت به مقام دعوت حقیقی و به جامعیت میان علوم سه‌گانه شریعت، طریقت و حقیقت) اشاره دارد.<sup>۱</sup>

به طور طبیعی از یک سنی مذهب که در حال و هوای عرفان و تصوف نیست این‌گونه انتظار می‌رود که برای امام علی (ع) فضائلی بالاتر از سطح سایر خلفا قائل نباشد همان‌گونه که ابن خلدون در مقام نقد طریقت عرفانی بر همین نکته تکیه کرده و عارفان را به خاطر عقایدی که او متأثر از تشیع می‌داند نکوهش می‌کند. ابن خلدون به عنوان یک سنی متعصب، در نقد ارادت خاص عارفان به شخص امام علی (ع) و فضائل اختصاصی که برای ایشان قائل‌اند می‌گوید: اگر چه شیعیان برخی فضائل اختصاصی برای امام علی (ع) برمی‌شمارند اما ابوبکر و عمر، زاهدترین و عابدترین انسان‌ها پس از رسول اکرم (ص) بوده‌اند [۳، ص ۳۸۶].

دکتر مصطفی حلمی نیز در پیروی از همین نگاه ابن خلدون، برخی گرایشات شیعی فرغانی را در شرح اشعار ابن فارض، مورد انتقاد قرار داده [۱۱، ص ۴۱۴] و تلاش می‌کند به هر صورت ممکن، ثابت کند که در نگاه ابن فارض، امام علی (ع) هیچ فضیلتی بر سایر خلفا ندارد [۱۱، ص ۳۷۷ و ۴۱۴].<sup>۲</sup>

۱. اصل عبارت فرغانی در این باب که مربوط به ص: ۶۵۰ مشارق الدراری است در پاورقی بخش قبل (علم الهی امام) گذشت.

۲. در نقد این سخن نک [۲۶، صص ۸۳ و ۱۰۰].

عقیده‌ای که ابن خلدون و به دنبال آن مصطفی حلمی از آن دم می‌زنند؛ نتیجه طبیعی مذهب آن‌ها است. اما با شواهدی که از کلمات فرغانی گذشت؛ روشن می‌شود که وی در این ساحت نیز عقیده شیعی مبنی بر افضلیت امام علی (ع) را بر عقیده اهل تسنن ترجیح داده و بر آن پافشاری می‌کند.

### منصوص بودن امام

اساسی‌ترین راه اثبات امامت امام در نگاه شیعه، وجود نص بر امامت او است [۱۵، ص ۲۸۲]. اما اهل سنت چون دستشان از این امر کوتاه است راه‌های متعدد دیگری را نیز به عنوان راه‌های جایگزین معرفی کرده‌اند. به عنوان مثال، تفتازانی امامت را حتی برای فاسق و جاهلی که با قهر و سلطه نظامی به قلع و قمع مخالفان پردازد قابل انعقاد می‌داند [۶، ج ۵، ص ۲۳۳].

فرغانی اما نگاه دیگری به مقوله امامت دارد. علاوه بر همه نشانه‌هایی که از نزدیکی عقیده سعیدالدین فرغانی به اعتقادات اصیل شیعی گذشت، احادیث ناب و معناداری که او در آثار خود در باب فضائل امیرالمؤمنین (ع) نقل می‌کند گواه هماهنگی نگاه او به اندیشه شیعی است. احادیثی که حتی یکی از آن‌ها برای اثبات حقانیت امام علی (ع) و برتری ایشان بر سایرین کافی است.

او به حدیث غدیر خم که صراحت بر جانشینی امیرالمؤمنین (ع) برای رسول خدا دارد اشاره داشته و همچنین شعر منسوب به امام علی (ع) را درباره غدیر خم و خلافت ایشان از نبی اکرم (ص) نقل می‌کند.

جعلہ النبی صلی اللہ علیہ و سلم وصیہ و قائما مقام نفسه، بقوله: «من کنت مولاه فعلیّ

مولاه»، و ذلک کان یوم غدیر خمّ علی ما قالہ کرّم اللہ وجہہ فی جملہّ آیات، منها قوله:

و أوصانی النبیّ علیّ اختیاری لأمّته رضا منه بحکمی

و أوجب لی ولایتہ علیکم رسول اللہ یوم غدیر خمّ

و غدیر خمّ ماء علی منزل من المدینة علی طریق یقال له الآن طریق المشاء إلى مکة [۲۸،

ج ۲، ص ۱۹۵].

وی همچنین به حدیث منزلت<sup>۱</sup> [۲۶، ص ۶۵۴] و به حدیث ثقلین<sup>۲</sup> [۲۶، صص ۶۵۴ و ۶۵۱] نیز در آثار خود اشاره دارد و واضح است که این احادیث دلالت روشنی بر امامت امام علی (ع) دارند.

سعیدالدین، علاوه بر احادیث فوق، حدیث «أنا مدينة العلم و علیّ بابها» [۲۶، ص ۶۵۴؛ ۲۸، ج ۱، ص ۴۱۱] و «لا فتی الا علی» [۲۸، ج ۱، ص ۴۱۱؛ ۳۲، ص ۱۲۶] را نیز در عبارت خود منعکس کرده است.

### ارادت فرغانی به اهل بیت

در طول تاریخ، اهل معرفت پیوند بسیار عمیقی با اهل بیت پیامبر اکرم (ص) داشته‌اند. ارادت عارفان به اهل بیت، از ویژگی‌های مهم آنان به شمار می‌رود. استاد مرحوم سید جلال الدین آشتیانی در این باره می‌نویسند:

جمعی از معاصران اهل تسنن، به تبع دانشمندان مغرب زمین، عرفا را در این باب متأثر از شیعه دانسته‌اند، غافل از آنکه در رتبه اول، اصول و قواعد عقلی و عرفانی و در مرحله دوم، روایات و نصوص و ظواهر مسلمة مأثور از رسول اکرم از طرق عامه، آنان را وادار به اقرار به مقامات و مراتب اولیای محمدیین نموده است [۲۶، ص ۷۷].

محبت و ارادت به اهل بیت در آثار محقق فرغانی نیز جلوه‌ای خاص یافته است. او در توضیح شعری<sup>۳</sup> از ابن فارض مصری به این مطلب تأکید دارد که امت نبی اکرم (ص)

۱. «یا علی أنت منی بمنزلة هارون من موسی، غیر أنه لا نبی بعدی»

۲. «إتی تارک فیکم ثقلین أولهما کتاب الله فیہ الهدی و النور و أهل بیته اذکرکم الله فی أهل بیته.»

۳. بعترته استغنت عن الرّسل الوری و أصحابه و التّابعین الأئمّة

شایان ذکر است که مرحوم سید جلال آشتیانی بر آن است که مصرع دوم این شعر در اصل «و اولاده الطاهرین الأئمّة» بوده است و بعضی از نسخه نویسان سنی مشرب، «اولاده» را به «أصحابه» تبدیل کرده‌اند [۲۶، ص ۱۴]. مؤید کلام مرحوم آشتیانی آن است که در شرح صائِن الدی ترکیه، عبارت مصرع دوم «و اولاده و الطاهرین الائمّة» آمده است و ابن ترکیه هم در شرح خود بر همین اساس، ضمن اشاره به حدیث شریف ثقلین می‌نویسد: «و به حکم فرموده «إتی تارک فیکم الثقلین» از خانواده سعادت کنیز اقبال غلام آن حضرت، و متابعت آثار اولاد و احفاد آن جناب کمال احوال - که ائمه شاهراه هدایتند - مردم از بعث رسل و اجتهاد در متابعت ایشان مستغنی گشتند، و «فی طلعة الشّمس ما یغنیک عن زحل» [۲۱، ص ۲۶۹].

با تمسک یافتن به امام علی (ع) و فرزندان ایشان از نسل حضرت فاطمه زهرا (س) است که هدایت می‌یابند. او بر آن است که اگر چه صحابه و متابعین نبی اکرم (ص) هم می‌توانند سبب هدایت امت باشند اما مقام دعوت حقیقی، اختصاص به اهل بیت پیامبر اعظم (ص) دارد. وی با اشاره به آیه تطهیر، دلیل مطلب را طهارت اهل بیت از هر نوع پلیدی، عنوان می‌کند [۲۸، ج ۲، ص ۱۹۲]. همچنان که فرق متعدد صوفیه، سلسله اسناد مشایخ و خرقة خود را از طریق امام علی و فرزندان ایشان به نبی اکرم (ص) منتسب می‌کنند. فرغانی در ادامه، پس از امام علی، سایر امامان شیعه را تا امام رضا (ع) به ترتیب برمی‌شمارد و البته این مطلب هم روشن است که در میان فرق متعدد شیعه، هر کس به امامت و ولایت کلیه علی بن موسی الرضا (ع) معتقد است به امامت ائمه بعد از ایشان نیز تا قائم آل محمد (عج) معتقد است.

... و ذکر اهل بیت را در این باب از آن تقدیم کرده است بر ذکر صحابه، که مقام دعوت حقیقی علی الإطلاق مخصوص است به اولیای محقق که جامعند مر این علوم سه‌گانه مذکور را، و سلسله نسبت اولیا به مصطفی - صلی الله علیه و سلم - من حیث الخرقه و الذکر و الصحبه علی سبیل المتابعه و التأدب و التخلّق غالباً علی و دو فرزندش به امیرالمؤمنین حسنین - حسن و حسین - و فرزندش زین العابدین و فرزندش باقر و فرزندش صادق و فرزندش کاظم، و فرزندش رضا، و هكذا درست می‌شود، و علوم طریقت و حقیقت غالباً به ایشان، ظاهر و منتشر شده است [۲۶، ص ۶۵۰].<sup>۱</sup>

او محکم‌ترین دستاویز برای تمسک به پیامبر اعظم (ص) را کمال محبت و مودت خاندان ایشان معرفی می‌کند [۲۶، ص ۴۳۱] و ولای اهل بیت را راه رسیدن به وادی معرفت می‌داند [۲۶، ص ۴۰۶].

### تعریف فرغانی به خلفای قبلی در مقام مقایسه آن‌ها با امام علی (ع)

سعیدالدین فرغانی در آثار خود، گوشه‌هایی نیز به خلفا و خصوصاً خلیفه دوم دارد. او در جایی، عمر را بی‌خبر از مقامات امام علی (ع) و طبعاً غیر قابل مقایسه با حضرت ایشان

۱. فرغانی در منتهی المدارک نیز به بیانی دیگر، همین مسئله را مورد تأکید قرار می‌دهد: «إنما قدم ذکر العتره علی ذکر الصحابة باعتبار أن علوم الحقیقة و الطریقة ما ظهرت أولاً إلا بوساطتهم و نسبة الولاية بالذکر و الخرقه لا يتصل إلا بهذا رضوان الله عليهم أجمعين» [۲۸، ج ۲، ص ۱۹۲].

می‌داند. فرغانی متبسم و شوخ بودن امیرالمؤمنین (ع) را نتیجه انس دائمی ایشان به خداوند و اطلاع از حکمت بالغه الهی در همه امور و مقدرات دانسته و چنین نتیجه می‌گیرد که خلیفه دوم - که مقام امام (ع) بر او پوشیده بود - شوخ بودن امام (ع) را عیبی بر ایشان می‌دانست زیرا نمی‌دانست که شوخ‌طبعی امام عارفان (ع) دلیل بر عدم تأثیر ایشان از بلاهای عظیم و سترگی است که بر ایشان وارد می‌شد. امام (ع) حکمت بالغه خداوند را در مشکلات بزرگی همچون اختلافات صحابه در مورد ایشان و جنگ‌هایی که بر او تحمیل کردند<sup>۱</sup> می‌دیدند و لذا این بلاها موجب تغییر حال ایشان در دوام انس‌شان به پروردگار نمی‌شد.

يكونون دائمي الأُنس برّهم، و بكلّ ما يبدو، بل كل ما يسمعون مما لا يلائم طباعهم يفهمون منه حكمه بالغه يوجب فرحهم و بشاشتهم، فلا يزال كل واحد هشاّ بشاّ بساما مزاحا كما حكى عن أمير المؤمنين<sup>۲</sup> علىّ رضی الله عنه، فإنه لم يلقه أحد في تلك الوقائع العظيمة النازلة به من اختلاف الصحابة عليه و محاربتهم إياه إلا بشاشا مزاحا، حتى إنه كان يعيب عليه من كان يعيب عنه حاله و يقول: لو لا دعاية فيه<sup>۳</sup>، فإنه عليه السلام كان على بصيرة و معرفة بكل ما ينزل به، و أنه لا مندوحة عنه، فلا يؤثر فيه شيء من ذلك أصلا [۲۸، ج ۲، ص ۱۳۳].

فرغانی در جایی دیگر به مناسبت، به این روایت اشاره دارد که روزی عمر در ایام خلافت خود در اثنای اعمال حج، حجرالاسود را خطاب کرده به او گفت: «تو سنگی بدون ضرر و منفعت هستی و اگر ندیده بودم که رسول خدا تو را می‌بوسید هیچ‌گاه تو را نمی‌بوسیدم» امام علی (ع) که شاهد ماجرا بود عمر را از اشتباه در آورده و با گوش‌زد کردن حدیث پیامبر اکرم (ص) به او یادآور شد که این سنگ، در روز قیامت به نفع مؤمنان شهادت خواهد داد.

۱. این بخش از سخنان فرغانی دلیل بر آن است که او کسانی را که در جنگ‌های جمل و صفین رو در روی امام علی (ع) قرار گرفتند (از قبیل عایشه، طلحه، زبیر و...) تخطئه می‌کند.
۲. قَالَ مُعَاوِيَةَ لِقَيْسِ بْنِ سَعْدٍ رَجِمَ اللَّهُ أَبَا حَسَنِ فَلَقَدْ كَانَ هَشًا بَشًا ذَا فُكَاهَةٍ قَالَ قَيْسٌ نَعَمْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَمْزَحُ وَيَبْسِمُ إِلَى أَصْحَابِهِ [۳۳، ج ۴۱، ص ۱۴۷].
۳. مرحوم سید جلال آشتیانی در توضیح این بخش از عبارت فرغانی می‌نویسد: «شارح علامه آنچه را که خلیفه ثانی دلیل بر عدم صلاحیت علی دانسته، شرط لازم خلافت شمرده و با کمال زیرکی سلب صلاحیت از دیگران نموده است.» [۳۰، ص ۱۲۷].

ورد أن عمر رضی الله عنه قال مخاطباً للحجر: «أنت حجر لا تضرّ ولا تنفع، و لو لا أنى رأيت رسول الله صلى الله عليه و سلم قبلك ما قبّلتك»، فقال له علىّ كرم الله وجهه: مه يا عمر، هذا حجر يضرّ و ينفع ... على ما ورد في الخبر أنه قال صلى الله عليه و سلم فى الحجر: «و الله ليبعثنه الله يوم القيامة له عينان يبصر بهما، و لسان ينطق به، و يشهد لكل من استلمه بحق» [۲۸، ج ۲، صص ۳۴ و ۳۵].

روایت فوق در مصادر متعددی از اهل سنت مضبوط است هر چند بخاری و مسلم در صحیحین خود، مغرضانه ذیل حدیث را که تنبیه امیرالمؤمنین به عمر است، نیاورده‌اند (و یا شاید از چاپ‌های متأخر، حذف شده باشد) اما علامه امینی، به مصادر فراوانی که این حدیث را به طور کامل آورده‌اند از منابع اهل سنت اشاره کرده است [۲۵، ج ۶، صص ۱۴۸ و ۱۴۹].

فرغانی همچنین به ماجرای نگاه غضب‌آلود نبی اکرم (ص) به عمر به خاطر آنکه در مقابل ایشان بخش‌هایی از تورات را در دست داشت اشاره دارد [۲۶، صص ۴۰۱ و ۴۰۲؛ ۲۸، ج ۱، ص ۴۰۴]، و البته همین‌که در مقام مقایسه امام علی (ع) با خلیفه دوم به اعتراف جالب خود خلیفه که: «لو لا علیّ لهلك عمر» اشاره می‌کند [۲۶، ص ۶۵۴] خود، گویای جایگاه هر کدام از امام علی (ع) و خلیفه دوم در اندیشه وی می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

میراث باقی‌مانده از اهل معرفت، ظرفیت‌های بالایی برای دفاع از اصل رکین امامت و ارائه تحلیل عرفانی و تبیین مبانی شیعی این اصل با زبان عارفانه و بر اساس ضوابط علم عرفان نظری دارد.

آثار سعیدالدین فرغانی در این میان، جایگاه ویژه‌ای دارد. شاید فرغانی را نتوان رسماً شیعه دانست اما تأکید بر اساسی‌ترین مؤلفه‌ها و شرایط آموزه شیعی امامت و تطبیق همه آن‌ها بر امام علی (ع) را به راحتی می‌توان در آثار او مشاهده کرد.

فرغانی بر اساس سرمایه علمی فراهم آمده از انبوهی از مبانی، اندیشه‌ها و تحلیل‌های غنی عرفانی، که از مکتب ابن عربی و صدر الدین قونوی به دست آورده است به مقوله امامت نظر می‌افکند. او امام علی (ع) را معصوم و دارای علم الهی دانسته و بر



برتری امیرالمؤمنین بر همه امت اسلامی تأکید دارد. وی از سوی دیگر، مهم‌ترین نصوص دالّ بر خلافت و وصایت ایشان را نیز نقل می‌کند.

بسیاری از سخنان علمی و دقیق که فرغانی در مورد امام علی (ع) به میان آورده است به گونه‌ای است که هیچ شیعه‌ای، در حق امام، سخنی بالاتر از آن را نمی‌تواند بگوید.

این رویه و این نگاه خاص به امیرالمؤمنین (ع) که کم و بیش در آثار سایر اهل معرفت نیز قابل مشاهده است محققان را به این نتیجه و تحلیل رهنمون شده است که حتی آن دسته از صوفیه که به لحاظ ظاهر، در جرگه شیعیان نمی‌گنجد، مقام خلافت و ولایت حقیقی رسول مکرم اسلام را منحصر در امام علی (ع) و فرزندان ایشان می‌دانند و اما برای دیگران جز یک خلافت ظاهری قائل نیستند.<sup>۱</sup> و البته این تحلیل، از قرن‌ها قبل وجود داشته است چنان‌که ابن خلدون، پس از اشاره به آن، این رویه خاص عارفان را متأثر از تفکر شیعی دانسته و در نتیجه، احساس خطر کرده و به انتقاد آن می‌نشیند. نتیجه آن که اگر چنین نگوییم که فرغانی و امثال او از صوفیه، شیعه هستند حداقل تعبیری که می‌توان در مورد آن‌ها با تکیه بر شواهد فراوان، به کار برد تعبیر دقیق «اهل تسنن دوازده امامی» است.

شایان ذکر است که بسیاری از فضائل و مناقبی که فرغانی برای امام علی (ع) ذکر کرده است در توضیح و شرح اشعار ابن فارض می‌باشد و این نکته، مؤید وجود نوعی تفکر شیعی در ابن فارض مصری نیز هست.

۱. مرحوم استاد آشتیانی می‌نویسد: «محققان از عرفا مقام وراثت و ولایت کلیه مطلقه را خاص علی(ع) می‌دانند و بر طبق مآثورات مسلمة کثیری از اولیای عرفان که در امامت، مشربی غیر مسلک امامیه دارند، ولایت کلیه را به علی و یکی از افراد عصمت الی یوم القیامة بر سبیل تجدد امثال، اختصاص داده‌اند و برای دیگران خلافت ظاهری صرف قائلند چه آن‌که:

عشق بازان دیگرند و عیش سازان دیگرند آن چه در فرهاد می‌بینیم در پرویز نیست  
به این معنا ناظم و شارح در موارد متعدد تصریح فرموده‌اند و خلافت کلیه را اختصاص به عترت یعنی علی و اقطاب از صلب علی و بطن صدیقه کبری - علیهما السلام - داده‌اند.» [۲۶، ص ۶۵۱].

## منابع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴). *اعتقادات الإمامیه*، قم، کنگره شیخ مفید.
- [۳] ابن خلدون (۲۰۰۳). *مقدمه ابن خلدون*، بیروت، دار المکتب العلمیه.
- [۴] ابن عربی، محیی الدین (بی تا). *الفتوحات المکیه*، بیروت، دار الصادر.
- [۵] باقلانی، قاضی ابوبکر (۱۴۱۴). *تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل*، بیروت، مؤسسه کتاب الثقافیه.
- [۶] نفتازانی، سعد الدین (۱۴۰۹). *شرح المقاصد*، مقدمه و تحقیق و تعلیق از عبد الرحمن عمیره، قم، الشریف الرضی.
- [۷] پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۸۶). *فرهنگ شیعه*، چاپ دوم، قم، انتشارات زمزم هدایت.
- [۸] جامی، عبد الرحمن (۱۳۷۵). *نفحات الأنس*، محقق: محمود عابدی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- [۹] جعفریان، رسول (۱۳۷۸). *تاریخ تشیع در ایران*: از آغاز تا قرن دهم هجری، تهران، نشر علم.
- [۱۰] جوینی، عبد الملک (۱۴۱۶). *الإرشاد إلى قواطع الأدلة فی أول الاعتقاد*، تعلیق از زکریا عمیراث، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۱۱] حلمی، محمد مصطفی (۱۹۷۱). *ابن الفارض و الحب الالهی*، قاهره، دار المعارف بمصر.
- [۱۲] حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۹۸۲). *نهج الحق و کشف الصدق*، بیروت، دار کتاب اللبنانی.
- [۱۳] خلیلی، سمیه (۱۳۹۱). *بازکاوی ادله امامت عامه از دیدگاه سید مرتضی و قاضی عبد الجبار معتزلی*، تهران، انتشارات نبأ. [۱۴] درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- [۱۵] ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۶). *امامت در بینش اسلامی*، قم، انتشارات بوستان کتاب.
- [۱۶] سبحانی، جعفر (۱۴۲۳). *بحوث فی الملل و النحل*، چاپ دوم، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق (ع).
- [۱۷] سجادی، سید جعفر (۱۳۷۳). *فرهنگ معارف اسلامی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۸] شریف، مرتضی (۱۴۱۰). *الشافی فی الإمامه*، تحقیق و تعلیق: سید عبد الزهراء حسینی، تهران، مؤسسه الصادق (علیه السلام).
- [۱۹] شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (بی تا). *الملل و النحل*، تحقیق: عبدالعزیز محمد الوکیل، بیروت، دارالفکر.
- [۲۰] شیخ مفید (۱۴۱۳). *أوائل المقالات فی المناهب و المختارات*، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- [۲۱] صائن الدین علی بن ترکه (۱۳۸۴). *شرح نظم الدر: شرح قصیده تائیه ابن فارض*، چاپ اول، تهران، میراث مکتوب.

- [۲۲] صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (صلی الله علیهم)*، محقق: کوجه باغی، محسن بن عباسعلی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- [۲۳] طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۸). *شیعه در اسلام*، چاپ پنجم، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- [۲۴] طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۲۷). *نوادیر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة (علیهم السلام)*، مصحح: اسدی، باسم محمد، قم، انتشارات دلیل ما.
- [۲۵] علامه امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶). *الغدیر*، قم، مرکز الغدیر.
- [۲۶] فرغانی، سعیدالدین (۱۳۷۹). *مشارق الدراری: شرح تائیه ابن فارض*، چاپ دوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۲۷] \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳). *مناهج العباد الی المعاد*، استانبول، مکتبه الحقیقه.
- [۲۸] \_\_\_\_\_ (۱۴۲۸). *منتهی المدارک فی شرح تائیه ابن فارض*، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۲۹] قاضی عبد الجبار (۱۹۶۵-۱۹۶۲). *المغنی فی أبواب التوحید و العدل*، تحقیق: جورج قنوتی و ...، قاهره، الدار المصریه.
- [۳۰] قیصری، داوود (۱۳۸۱). *رسائل قیصری*، محقق: سید جلال الدین آشتیانی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- [۳۱] کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، محقق: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- [۳۲] کاشانی، عبد الرزاق (۱۴۲۶). *کشف الوجوه الغر لمعانی نظم الدر*، محقق: احمد فرید المزیدی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۳۳] مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۳۴] هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵). *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، محقق: انصاری زنجانی خوئینی، محمد، قم، نشر الهادی.